

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شرق

چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۴ • ۲۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ • ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۰۵ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۹ • اذان مغرب ۱۸:۲۷ • اذان صبح فردا ۴:۲۵ • طلوع آفتاب ۵:۴۹

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

برابری جنسیتی در قانون اساسی و نظام حقوقی ایران



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». جریان تصویب این اصل به جلسه بیست‌وسوم مجلس بررسی نهایی قانون اساسی بازمی‌گردد که در ۲۹ شهریور ۱۳۵۸ رخ داده است. طبیعی است که موضوع برای مجلسی که اکثریت آن در اختیار فقها قرار دارد، بحث‌برانگیز بوده است. تنها بانوی حاضر در مجلس، خانم منیره کرجی‌فرد، در دفاع از برابری جنسیتی بیان می‌کند: «ما در اینجا آمده‌ایم این قانون را اجرا کنیم، قانون مانند چتری است که باید در بالای سر ما باشد. آن قانون، حامی و مدافع مردم باید باشد، ما نمی‌خواهیم قانون را عوض کنیم، پیغمبر فرموده «اصرهم والاغلال»

ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضع دیگر، از تمام حقوق و آزادی‌های مذکور در اعلامیه حاضر برخوردار است...». آرمان‌های اعلامیه جهانی حقوق بشر در دو معاهده مشهور به «ميثاق حقوق مدنی و سیاسی» و «ميثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» به شکل اجرایی درآمد که هر دوی این متون به ترتیب در ۲۳ آبان ۱۳۵۱ و ۱۴ آذر ۱۳۵۱ به تصویب مجلس ایران رسید و تا زمانی که به موجب قانون دیگری نسخ نشود، به عنوان قانون در نظام حقوقی ایران معتبر است؛ زیرا ماده ۳ قانون مدنی بیان می‌کند: «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و دیگر دول منعقد شده باشد، در حکم قانون است». مطابق ماده ۳ ميثاق حقوق مدنی و سیاسی: «دولت‌های طرف این ميثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی‌شده در این ميثاق تأمین کنند».

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اصل برابری جنسیتی در اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌صراحت پذیرفته شد: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه

این روزها بحث صدور یا عدم صدور گواهینامه متورسیکلت برای خانم‌ها داغ است و اختلاف بر تفسیر تبصره ماده ۲۰ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی است که بیان می‌کند: «صدور گواهینامه رانندگی متورسیکلت برای مردان برعهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است». اگر بخواهیم مسائلی از این دست را ریشه‌یابی کنیم، باید به واکاوی مفاهیمی مانند «برابری جنسیتی» بپردازیم. مفهوم برابری جنسیتی به زبان ساده به این معناست که زن و مرد از فرصت‌های مساوی در جامعه برخوردار باشند. گرچه این نگاه از دنیای غرب وارد فضای اجتماعی ما شده، اما در عمل اثر خود را در نظام حقوقی و در رأس آن قانون اساسی گذاشته است.

از پیشگامان تساوی حقوق زنان می‌توان به کریستین دو پیزان، وکیل‌مدافع ایتالیایی، اشاره کرد که در اوایل قرن پانزدهم میلادی در کتاب «شهر زنان» به این موضوع پرداخت. در ماده ۲ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» مصوب ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد این‌گونه آمده است: «هرکس، بدون هیچ‌گونه تبعیض، به‌ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، نظر سیاسی یا هر نظر دیگری و همچنین منشا



جارودستی از جمله صنایع دستی است که علی‌رغم تولید انواع صنعتی آن، همچنان جایگاه خود را در زندگی مردم حفظ کرده است. جارو از گیاهی که در اصطلاح محلی به آن «ارزن» گفته می‌شود ساخته شده و در برخی از نقاط خراسان شمالی کشت و پس از برداشت، خشک شده و با دست بافته می‌شود. جاروبافی یکی از صنایع دستی این استان به شمار می‌آید که اغلب مردم روستای «ملاحسن» در شهرستان مانه و سملقان به این پیشه مشغول هستند. عکس: مریم داوودنیا، مهر

طنزخوانی

اجاره خانه از درآمد هفت جدمان زده بالا!



آردین سیارسریع

دیروز دوستی را دیدم که دنبال خانه می‌گشت و می‌گفت با ۵۰۰ میلیون رهن و ۳۰ میلیون اجاره مورد خاصی پیدا نمی‌کند! پرسیدم حقوقت چقدر است؟ گفت ۳۰ میلیون! امروز سایت خبرآنلاین را باز کردم. دیدم نوشته میانگین سهم مسکن از کل هزینه‌های خانوادۀ از مرز ۳۸ درصد عبور کرده است. یعنی طبق آمارهای رسمی، شما در ماه هرچقدر درمی‌آوردید، ۳۸ درصدش را باید هزینه اجاره خانه کنید که درمورد این دوست من صددرصد بود! من خودم بشخصه ۳۰۰،۲۰۰ درصد درآمد را اجاره می‌دهم. در واقع چیزی برای خودم و همسرم نمی‌ماند. البته ما که خودمان توقعی نداریم. همین که صاحبخانه راضی باشد برای ما یک دنیا ارزش دارد. چند سال پیش یک توییت زده و نوشته بودم: «ما کار می‌کنیم تا صاحبخانه بتواند زندگی کند». آن موقع رهن خانۀ ما ۴۰۰ میلیون بود و می‌گفتم من اگر روزی یک میلیارد داشته باشم چیز دیگری از خدا نمی‌خواهم. الان در همان خانه نشتستام و نزدیک به دو میلیارد پول رهن می‌دهم. در حالی که چیزهای بیشتری از خدا می‌خواهم! انصافا کسی که دو میلیارد رهن خانه می‌دهد زشت است فقیر باشد، ولی به‌هرحال کاری است که شده. آمار رسمی هم همین را می‌گوید که ما هر سال از هزینه‌های دیگرمان می‌زنیم و بیشتر و بیشتر به خانه اختصاص می‌دهیم. در واقع تا چند سال دیگر صرفا می‌توانیم یک خانۀای بگیریم و توی آن بنشینیم. بدون وسایل خانۀ، بدون غذای، بدون لباس! احتمالا الان صاحبخانه‌ها شاک می‌شوند و می‌گویند همیشه فشارهای رسانه‌ای روی ما ست! عزیزم! ان شاءالله همیشه فشار رسانه‌ای باشد نه فشار زندگی، ولی به‌هرحال تو هم حق داری. من هم جای تو بودم همین کار را می‌کردم. مشکل از جای دیگری است که ملک و ماشین را کرده سرمایه. خبرآنلاین نوشته: «در صورت عدم مداخله مؤثر و تغییر در سیاست‌های کلان، میانگین سهم مسکن در هزینه خانوار شهری در سال ۱۴۰۴ به‌راحتی می‌تواند از مرز ۴۰ درصد عبور کند که در کلان‌شهرهایی مثل تهران، هزینه مسکن ۶۰ درصد هزینه‌های خانوار را می‌بلعد». آن‌وقت انتظار دارند آدم آرام باشد. فلان نماینده مجلس هم در این شرایط انتظار فرزندآوری دارد. چشم ارباب! به ذهن خودمان نرسیده بود. ۶۰ درصد هزینه مسکن، ۴۰ درصد هم هزینه فرزند، می‌کند صد درصد درآمد، خانه را می‌گیریم، بچه را هم می‌گذاریم توش، خودمان می‌رویم شهرستان! شما بمانید و یک سری صاحبخانه و بچه بی‌صاحب! فقط فردا که این بچه‌ها بزرگ شدند نباید بگویید چرا این نسل این شکلی‌اند و چرا نمی‌شود با آنها گفت‌وگو کرد. اینها توی خانه خالی بزرگ شده‌اند. به‌هرحال با ما یک مقدار متفاوت‌اند. موفق و پیروز باشید.

طنزخوانی

یاد

رابرت ردفورد درگذشت

ستاره‌ای که هالیوود را تغییر داد



و با فیلم «مردم عادی» به کارگردانی روی آورد. این فیلم با موفقیت چشمگیری روبه‌رو شد و چهار اسکار، از جمله بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را برای او به همراه داشت؛ افتخاری که در مقام بازیگر هرگز نصیبش نشده بود.

تأسیس جشنواره ساندنس

در سال ۱۹۷۸ ردفورد جشنواره فیلم ساندنس را ابتدا با نام جشنواره فیلم یوتا راه‌اندازی کرد و به تدریج به مرکز مهمی برای معرفی سینمای مستقل آمریکا تبدیل شد. این جشنواره سکوی پرتاب کارگردانی همچون استیون سودبرگ، کوئنتین تارانتینو، رابرت رودریگز و کوین اسمیت شد و بعدها با نمایش آثار متفاوت، نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت‌های تجاری و هنری فیلم‌های مستقل ایفا کرد.

سال‌های پایانی بازیگری و کارگردانی

در دهه‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰، ردفورد همچنان فعال ماند اگرچه حضورش کمتر از گذشته بود. او در فیلم‌های «نامزد من»، «شیرها برای بره‌ها» و «قضیه کنتوروسی» ظاهر شد. یکی از نقش‌های درخشانش در سال‌های اخیر، بازی در فیلم «همه چیز از دست رفته» بود. در سال ۲۰۱۵ نیز در فیلم «واقعیت و تخیل» در کنار کیت بلانشت نقش آفرینی کرد. او در سال ۲۰۱۸ با فیلم «بیرمرد و تفنگ» اعلام کرد قصد دارد از بازیگری خداحافظی کند؛ هرچند بعدها گفت شاید بازگشتی کوتاه داشته باشد.

تأثیرگذاری بر سینما و فرهنگ

رابرت ردفورد نه‌تنها به عنوان بازیگر و کارگردان، بلکه به عنوان بنیان‌گذار جشنواره ساندنس و حامی سینمای مستقل، تأثیر عمیقی بر فرهنگ سینما گذاشت. جشنواره‌ای که او پایه‌گذاری کرد، مسیر شهرت فیلم‌سازان بزرگی مانند تارانتینو، سودبرگ، رودریگز، کوئن‌ها و بسیاری دیگر را هموار کرد. او نشان داد تنها یک چهره پرزرق‌وبرق نیست، بلکه هنرمندی متفکر و متعهد است. ردفورد دهه‌ها از مدافعان محیط زیست بود؛ او با سازمان‌های مختلف همکاری داشت و بارها علیه پروژه‌های نفتی و مخرب طبیعت موضع‌گیری کرد. او همچنین یکی از چهره‌های لیبرال در سیاست آمریکا به‌شمار می‌رفت و دیدگاه‌هایش را در موضوعات اجتماعی و سیاسی پرتی‌بده بیان می‌کرد. ردفورد نه‌تنها به عنوان یک هنرمند، بلکه به عنوان شخصیتی فرهنگی و اجتماعی در تاریخ آمریکا ماندگار شد.

رابرت ردفورد، اسطوره سینمای جهان، در ۸۹سالگی درگذشت.

ستاره‌ای که هالیوود را برای همیشه تغییر داد

رابرت ردفورد، ستاره آثار کلاسیک هالیوود همچون «نیش» و «تمام مردان رئیس‌جمهور»، در خواب و آرامش درگذشت. مرگ او در کوه‌های اطراف پیرو، در بیانیه‌ای از سوی «سپندی برگر»، مدیرعامل شرکت روابط‌عمومی اعلام شد. او گفت ردفورد در خواب درگذشته است، اما علت دقیق مرگ را بیان نکرد. در بیانیه آمده است که او «در جایی که دوستش داشت و در کنار کسانی که دوست‌شان داشت» از دنیا رفت. ردفورد با بازی از رویکرد سطحی هالیوود در فیلم‌سازی، معمولا اصرار داشت فیلم‌هایش بار فرهنگی داشته باشند. او اغلب موضوعات جدی مانند آندوه و فساد سیاسی را به‌گونه‌ای روایت می‌کرد که در دل مخاطبان طنین بیندازد و بخش بزرگی از این تأثیر به قدرت عظیم ستاره‌ای او بازمی‌گشت. ردفورد یکی از ستاره‌های شاخص دهه ۱۹۷۰ بود که به‌راحتی میان جریان اصلی سینمای آمریکا و موج نو هالیوود حرکت می‌کرد و در دهه‌های بعدی نیز به کارگردان و تهیه‌کننده‌ای برنده اسکار بدل شد. او نقشی کلیدی در پایه‌گذاری سینمای مستقل آمریکا ایفا کرد.

درخشش در سینما

رابرت ردفورد با نام کامل چارلز رابرت ردفورد جونیور، در سال ۱۹۳۶ در لس‌آنجلس به دنیا آمد. پس از اخراج از دانشگاه کلرادو، به نیویورک رفت و در آکادمی هنرهای نمایشی آمریکا آموزش دید. او در دهه ۶۰ با ایفای نقش‌های کوچک در تلویزیون، تئاتر و سینما کار خود را آغاز کرد. در سال ۱۹۶۲ برای بازی در مجموعه تلویزیونی «صدای جارلی پانت»، نامزد جایزه امی بهترین بازیگر نقش مکمل شد و یک سال بعد نقش اصلی در اجرای برادوی نمایش موفق «بابره‌نه در پارک» اثر نیل سایمون را به دست آورد. ردفورد پس از حضور در چند فیلم مهم ازجمله «تعقیب» و اقتباس سینمایی «بابره‌نه در پارک»، ردفورد در سال ۱۹۶۹ با وسترن یاغی محور «بوج کسیدی» و ساندنس‌کید» به شهرت جهانی رسید؛ فیلمی که در آن در کنار پل نیومن و کاترین راس بازی کرد. این اثر برای هفت جایزه اسکار نامزد شد؛ هرچند هیچ‌یک از بازیگران نامزد نشدند. او سپس در فیلم «بگوید ویلی بوی اینجااست» به کارگردانی آبراهام پولونسکی -که پس از بیش از ۲۰ سال بازگشتی مهم داشت- بازی کرد و بعد در رشته‌ای از فیلم‌های موفق دهه ۷۰ ظاهر شد؛ مانند «جرمایا جاسون» (۱۹۷۲)، «آن‌طور که بودیم» (۱۹۷۳) در کنار باربارا استرایسند، «نیش» (۱۹۷۳) همراه با پل نیومن، «گتسی بزرگ» (۱۹۷۴) اقتباس از رمان فیترجرالد، «سه روز کندروز» (۱۹۷۵) و «تمام مردان رئیس‌جمهور» (۱۹۷۶) در نقش باب وودوارد در کنار داستین هافمن.

ورود به کارگردانی

ردفورد در اواخر دهه ۷۰ مدتی از بازیگری فاصله گرفت

